



مقام فناء بالله حسینی / امام حسین(ع) در عرفان اسلامی

امام حسین(ع) انسانی است که عبد کامل شده و به اصطلاح ابن عربی این قیام عبد به رب در واقع همه اعضاء و جوارح حسین(ع) را فانی در حق کرده و خون حسین(ع) هم خون خدا شده است.

امام حسین(ع) انسانی است که عبد کامل شده و به اصطلاح ابن عربی این قیام عبد به رب در واقع همه اعضاء و جوارح حسین(ع) را فانی در حق کرده و خون حسین(ع) هم خون خدا شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشت شفاهی دکتر علی محمد صابری استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی درباره جایگاه و مقام امام حسین(ع) در عرفان اسلامی است.

حقیقت، هیچ گاه تاریخی نمی شود. نباید حقیقت را در تاریخ جست وجو کنیم. تاریخ برای پند و عبرت است. هر موقع عاشورا در تاریخ و در منطقه جغرافیایی و در زمان تاریخی بررسی شد، حقیقت آن گم شد. حقیقت هر جا و هر گاه به دنیا بیاید، نو و تازه هست و هرگز کهنه نمی شود. باطل هر جا و در هر قرنی که باشد کهنه و مردود است. حقیقت و باطل همیشه در مقابل همدیگر بودند.

حقیقت در سینه امام حسین(ع) بود و از نظر باطنی و عرفانی وقتی صحیفه مختومه بنام امام حسین(ع) گشوده می شود برخلاف برادرش امام حسن(ع) که مأمور به حلم و بردباری بود، ایشان مأمور به قیام و شهادت شد. امری که بر انبیاء و اولیاء تفویض می شود در طوماری است که این طومار در دل ولی یا وصی است که باید به آن طومار یا صحیفه که صحیفه فاطمیه هم نامیده می شود، عمل کنند. این طومار همان حقیقت ولوی است که در قلب آن بزرگواران پس از تفویض امر الهی ظاهر می شود و نمایش پیدا می کند. پیغمبر(ص) هم نبی سیف و هم نبی رحمت بود. در جهاد شرکت می کرد و شمشیر می زد. در جریان فتح مکه رحمة للعالمین بودنش ظهور کرد و همه را بخشید. بعد از پیامبر(ص) این صفات به صورت ارث به علی(ع) و سپس فرزندان علی(ع) رسید که مأمور به هدایت انسانهایی بود که استعداد رسیدن به کمال را داشتند.

معنای ثارالله

امام حسین(ع) پس از دیدن این رؤیا که پیامبر(ص) به ایشان فرمودند به عراق حرکت کن که خداوند می خواهد تو را کشته ببیند، مجذوب محبوب می شود و عشق اش به نهایت می رسد. یکی از القاب امام حسین(ع) ظهور عشق اعلی است و معنای ثارالله که خون خدا هست همین است یعنی عشق با تمام وجود ظهور پیدا می کند و الا خداوند که خون ندارد اما حسین(ع) انسانی است که عبد کامل شده و چنان فانی در حق شده که به رب خودش قیام کرده و به اصطلاح ابن عربی این قیام عبد به رب در واقع همه اعضاء و جوارح حسین(ع) را فانی در حق کرده و خون حسین(ع) هم خون خدا شده است و این بار امانت ولایت انسان کامل را حسین(ع) باید به دوش بکشد منتها به عشق و شهادت. این همان امانتی است که آسمان و زمین تحمل آن را نداشتند و قبول نکردند ولی انسان قبول کرد والبته انسان کاملی مثل امام حسین(ع). آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند.

ولایت عشق

امانت خداوندی، انسانیت انسان و حقیقت اوست که در اصطلاح عرفانی، لطیفه حقیقت انسانیه نامیده می شود که همان ولایت عشق است. عشق چیست که چنین حالتی را برای عاشقی چون حسین(ع) به وجود آورده است؟ عشق در زبان فارسی از ریشه «عشقه» گرفته شده است که در زبان فارسی به معنی گیاه پیچک است که به دور گیاهان می پیچد و شیره گیاه را می کشد و آن گیاه را مال خود و خشک می کند. عشق در جان آدمی مانند عشقه عمل می کند که آدمی را از وجود مجازی، متوهم و خیالی و وجود جسمانی بیرون می کشد و خالی می کند و به خود زنده می گرداند. در این حال عاشق از خود اراده و اختیار و دوراندیشی و مصلحت جویی ندارد. عاشق تحت اراده الهی محبوب است همان طور که فرموده اند: رشته ای در گردنم افکنده دوست/ می کشد هر جا که خاطرخواه اوست.

در اینجا برای عاشق حکم «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» با دست خود، خود را به کشتن ندهید معنا ندارد، این حکم در مقام عقل معنا دارد. عاشقی که مجنون است و جنون و امر الهی بر این است که خداوند می خواهد او را کشته ببیند. باید اطاعت امر کند. عشق در اینجا از مقوله جنون است منتها جنون فوق العقل نه جنون دون العقل. در واقع جنون فوق العقل یعنی برای عاشق

هیچ چیز مهمتر از وصال به محبوب نیست البته وصالی که با مرگ به دست می آید. چون مرا سوی اجل عشق و هواست/ نهی تلقوا بآئدیکم مراست.

وقتی هوای دوست را در سر داریم هر هوای دنیوی را از سر بیرون می کنیم به هر حال تهلکة حقیقی را در بعد از محبوب می داند یعنی اگر بخواهد حفظ جان کند می بیند که از محبوب دور می افتد. از این رو مثل پدرش که وقتی ضربت خورد، پدر بزرگوارش فرمود: فزت و رب الکعبه.

اینجا هم امام حسین(ع) می فرماید: اگر دین جد من با کشته شدن من زنده و پابرجا می ماند پس ای شمشیرها مرا در بر بگیرید. در حقیقت آن حالت امارگی و شیطنیت نفس به طور کلی مرده و عقل معاش و عقل مصلحت اندیش دنیوی برای تنظیم معاش و تدبیر امور زندگی دنیاست به کنار می رود. به قول مولوی عقل کو مغلوب نفس او نفس شد/ مشتری مات زحل شد نحس شد.

عقل مغلوب

عقل مغلوب، عقل مصلحت اندیش است البته عقل معاویه و تمام حاکمان بنی امیه و بنی عباس عقل مصلحت اندیش است، چون عقل آنها دنیوی بود و به نفس اماره عمل می کردند ولی عقل حسین(ع) تابع عشق بود. عقل دیگر بخشش یزدان بود/ چشمه آن در میان جان بود.

عقلی که هر چه حکم می کند تابع حکم دین است «کُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»؛ عقلی است که تابع رحمان است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «الْعَقْلُ ثَوْرٌ فِي الْقَلْبِ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ» چنین عقلی مانند نوری در قلب است که با آن حق و باطل را به راستی می شناسد. این عاشقان و عارفان همین عقل پایان بین را داشتند. وقتی عقل تابع عشق می شود به حیرت بیفتد و بندگی خود را در برابر عشق بپذیرد چون عاشقان امنای الهی هستند. به قول حافظ که می گوید در ازل پرتو عشقت ز تجلی دم زد/ عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد.

حتی فرشتگان نیز با همه قربشان به حضرت حق از قبول امانت الهی ابا کردند، چون استعداد عاشق شدن نداشتند. حتی جبرئیل که ملک مقرب بود در معراج در مراتب قرب و حضور نتوانست همراه عاشقی چون پیامبر(ص) در مقام وصال باشد چرا که جبرئیل هنوز در میان عقل و عشق بود برای همین حافظ می فرماید: جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت/ عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد.

قمار عاشقانه

انسان چون ظلم و جهول بود و می دانست ظالم به نفس خویش و جاهل است همه چیز را در برابر محبوب خویش در قمار عشق باخت تا به عنوان عاشق لایق درگاه او شود. حسین(ع) بر جان خود و عزیزانش ستم نکرد بلکه جان شیرین خود را در قمار عاشقانه فدای محبوب خود کرد. ظالم کسی است که حق جان را ادا نکند و جان را اسیر نفس اماره کند اما حسین(ع) مقام عظمای شهادت را نائل شد و به دوستان و یاران خودش عطا کرد. این مقام یعنی مشاهده کردن یعنی کسی که در راه خدا البته به معنایی کشته می شود و پس از مرگ شاهد حق می شود یعنی به مقام بصیرت و رؤیت قلبی حق رسیده، البته حسین(ع) چون شاهد حق و زنده شهدا بود و سرور شهدا هم به همین معنا لقب گرفت یعنی به چشم دل خدا را می دید.

همان طور که علی(ع) پدر بزرگوارش فرمود: من خدای نادیده را عبادت نمی کنم. امام حسین(ع) به این مرگ و موت اختیاری رسیده بود مرگ اضطراری برای همه هست و برای همین است که مصداق این حدیث قدسی شد که «مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي عَشَقَنِي وَ مَنْ عَشَقَنِي قَتَلْتُهُ وَ مَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلِي دِيْنُهُ وَ مَنْ عَلِي دِيْنُهُ اَنَا دِيْنُهُ» خداوند م یفرماید: هر کس عاشق من شود من هم عاشق او می شوم و هر کسی که من عاشق او شوم او را برای خودم می کشم، و هر که را برای خودم کشتم دیه او هم بر گردن من هست. بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می زندگی خواهی/ کی ادريس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما.

پس با چنین مرگی انسان مجددا متولد می شود که اصطلاحا در عرفان به آن مقام بقاء بالله نامیده می شود. در این تولد وقتی سالک در مقام قرب حضرت دوست قرار می گیرد و از همه آداب و رسوم و خیال و حتی وجود خود می گذرد و فانی در حق می شود؛ چه در افعال حق، چه در صفات حق و چه در ذات حق فانی می شود مستقیما به وجود حق بقا پیدا می کند. برای همین است که پیامبر(ص) فرمودند: مردم خواب اند و وقتی که بمیرند بیدار می شوند.

تولد ثانی

کسی که با تولد ثانی بعد از فنا فی الله، دوباره زنده می شود، کشته در راه دوست و شهید و شاهد حق می شود (البته اولیای خداوند همه شهید هستند حتی اگر به ظاهر هم کشته نشوند اما عشق الهی عاشق را شهید می کند). در حدیث قدسی آمده: «مَنْ عَشِقَ فَعَفَا ثُمَّ مَاتَ، مَاتَ شَهِيداً» کسی که عاشق شود و عفت بورزد و آن عشق را کتمان کند و بمیرد شهید، مرده است. کتمان عشق الهی بالاخره عاشق را به مقام شهادت می رساند. پس اگر حسین(ع) در فاجعه کربلا خود را به کشتن داد باطنا در مقام عشق و جذبه بود و در حقیقت لبیک به محبوب خویش گفت که گفته او را کشته می خواهد ببیند. این دعوت ایمانی که هر کسی لایق وصال نیست مثل اینکه گلی چید تا به بارگاه عظیم الهی راه پیدا کند.

امام حسین(ع) دست یاران خود را هم گرفت و قافله سالارکاروان بلاجویان دشت کربلا شد. دست کسانی که حقیقتاً عاشق حسین(ع) بودند البته بیعت و عهد خود را از گردن کسانی که متاع دنیوی خود را می دیدند برداشت. کسانی که دنیا را بالاتر از حسین(ع) می دیدند حسین(ع) را رها کردند اما در عوض با طالبانی چون حُرّ عهد ایمانی بست. کسانی را که از ابتدا عاشق نبودند با پای برهنه رفتند و بندگی کامل رسیدند و بیعت کردند و منتظر ماندند تا به شهادت برسند. عشق از اول سرکش و خونی بود/ تا گریزد آنکه بیرونی بود.